



## پدر و پسر هر دو جهادگر هر دو جانباز

همرزم پدرش بوده ما رادرین گفت و گو همراهی می‌کند.

سال ۴۲ زمانی که امام خمینی (ره) در نجف بودند برای فهم بعضی مسائل شرعی ام به محضرشان رسیدم، از آن جا به مکه رفتم و سپس به افغانستان برگشتم، آن سال‌ها در افغانستان عرصه جنگ بود. تا این که جنگ تحمیلی علیه ایران شروع شد، از مراجع قم استفتاء کردیم پاسخ آمد که به ایران بیاید، سال ۵۹ با پاسپورت به ایران آمدم و به جهاد سازندگی مراجعه کردم و به خدمت جهاد درآمد، راننده بولدوزر بودم و به مناطق عملیاتی اعزام می‌شدم و زمانی هم که از جبهه بر می‌گشتیم برای خدمات رسانی به شهرستان‌ها اعزام می‌شدیم از

محمد علی علی نژاد



می‌گویند برایم فرقی نمی‌کرد از آسمان تیر بیارد یا باران، باید سنگر یا مانع یا جاده را در مناطق عملیاتی احداث می‌کردیم. سال‌های سال از روزهایی که او تصمیم گرفت برای اسلام پا در میدان جهاد بگذارد گذشته اما او همچنان استوار بر مسیری که انتخاب کرده گام بر می‌دارد.

سازندگی لباس خدمت به تن می‌کند. ساعتی را میهمان خانه «گشتی محمدی» این جانباز ۴۵ درصد و سنگرساز بی‌سنگر می‌شوم و حرف هایش را می‌شنوم. فرزند او نیز که آن سال‌ها

«گشتی محمدی» جهادگر جانباز که سابقه حدود یکسال حضور در دفاع مقدس را در کارنامه افتخارش به ثبت رسانده، جهادگری را حتی پس از جنگ نیز رها نمی‌کند و به مدت ۲۵ سال در جهاد